

فصل چهارم

دانشگاهها و شهرهای دانایی

نگریسته می‌شوند. دانشگاه‌ها به عنوان فعالان اصلی فرایند تولید دانایی محسوب می‌گردند و از آنجا که بخش دانایی^۲ در تمام مدل‌های درون زاد رشد جای دارد، می‌توان بخش دانایی را به صورت انباشتی از تمام دانشگاه‌ها در عرصه‌ی اقتصاد توصیف نمود. از این رو، دانشگاه‌ها در جامعه‌ی پیچیده‌ی ما که اندیشه‌های نوین خلق و خرد موجود را به چالش می‌کشد، نقش محوری دارند (۱۷).

بر اساس مطالعات هنری و پنچ^۳، شهرهای موفق با رشد خوشه‌های دانایی نهفته در جوامع دانایی که عمدتاً از سوی دانشگاه‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرند، پیوند دارند (۱۸).

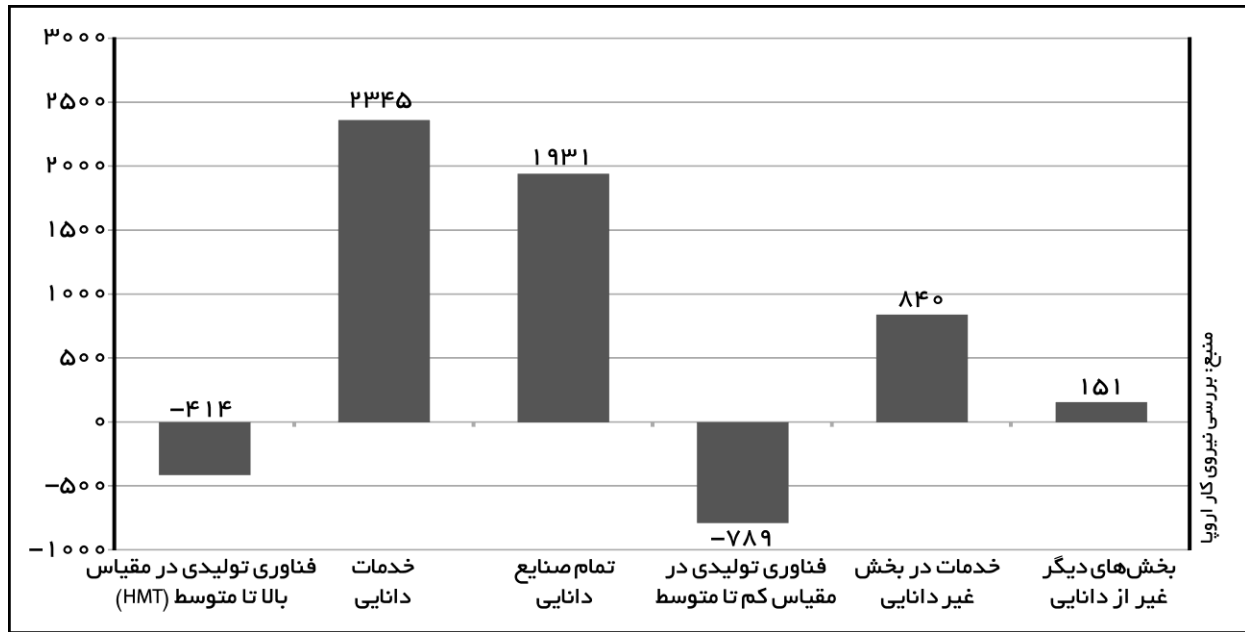
در حقیقت در سراسر دنیا، بسیاری از دانشگاه‌ها

در سال‌های اخیر، دانشگاه‌ها به عنوان یک زیرساخت کلیدی دانایی (به دلیل توانایی آنها به عنوان سکوی تولید، تجاری سازی و انتقال دانایی) در حمایت از شهرهای دانایی، قلمداد شده‌اند. در زمانی، دانشگاه‌ها را همچون برج‌های عاج^۱ توصیف می‌کردند که تنها به آموزش و پژوهش آکادمیک سنتی می‌پرداختند و تعهدی را نسبت به فضای پیرامون عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی که در آن زیست می‌کردند، احساس نمی‌نمودند. اما با پدیداری اقتصاد دانایی محور، هم اکنون دانشگاه‌ها به صورت پیشرفته‌ای به عنوان پیش‌ران‌های نیرومند دانایی، تغییر در دانش، فناوری و دیگر گستره‌های خلاقانه و از همه مهم‌تر، به عنوان گذرگاهی برای توسعه‌ی شهری دانایی محور،

¹ Ivory Towers

² Knowledge Sector

³ Henry and Pinch



تصویر ۳۴: تغییر در اشتغال کلی در طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۵؛ تعداد ۱۲ شغل در صنایع دانایی محور به ازای هر شغل در دیگر صنایع به وجود آمده است.

در تدوین چشم انداز، راهبرد و برنامه‌های عملیاتی شهرهای خود (جهت تبدیل شدن به شهرهای دانایی محور شکوفا) به صورت مستقیم درکنش و تکاپو هستند.

برای مثال، دفتر سرمایه‌ی دانایی در ملبورن^۱ که توسط هشت دانشگاه ملبورنی بنیان گذاشته شده است، با شورای شهر، بخش دولتی، آکادمیک و بخش کسب و کار، در ارتقاء جایگاه محلی و جهانی ملبورن

به عنوان یک شهر دانایی، تلاش می‌نماید. دانشگاه‌ها افزون بر نقش تدوین برنامه‌ی راهبردی توسعه‌ی شهری، مسئولیت پرورش کارگران دانایی و تولید مجموعه‌ی مهارت‌ها و دانایی جدید و نیز به عنوان مرکز رشد صنایع، محصولات و خدمات نوین در دوران اقتصاد دانایی محور را به عهده دارند. این ظرفیت مرکز رشدی، دانشگاه‌ها را به بازیگران کلیدی در فرایند توسعه‌ی شهری دانایی محور و تغذیه‌ی

^۱ The office of knowledge capital in Melbourne

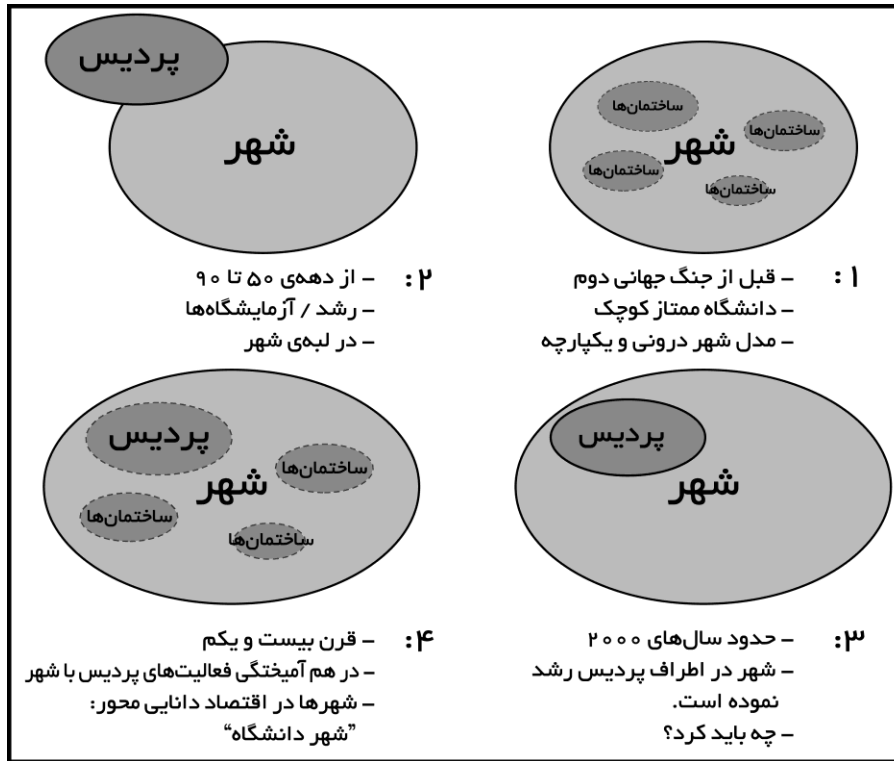
شهرهای دانایی مبدل نموده است (۱۷).

به زبان دیگر، هم آهنگ با تغییر در تفکر تولید دانایی و سیاست نوآوری، مأموریت دانشگاه‌ها در پیوستگی با جغرافیای زیست آنها نیز تغییر نموده است. به صورت سنتی و نیز پسامدرن، چهار مدل پیرامون پیوستگی دانشگاه با محیط پیرامونی و زیست آنها می‌توان متصور شد. ما با دو مدل اول در طول دهه‌های گذشته آشنایی داشته‌ایم ولی

مدل‌های سوم و چهارم از مدل‌های نوپدید است که در دوران اقتصاد دانایی محور با آنها رو در رو می‌شویم.

مدل اول: دیدگاه وسواس‌گرایانه

این مدل در تیپ دانشگاه همبولتی^۱ برجستگی داشت. در این مدل، دانشگاه یک فاصله‌ی بحرانی را از



تصویر ۳۵: توسعه‌ی پردیس‌های دانشگاهی هلندی در چهار هنگامه

محیط زیست اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود برای بهینه نمودن پتانسیل نوآورانه و منتقدانه نگه می‌دارد و انتقال دانایی در این مدل یک سو بوده و از سوی دانشگاه به سوی ذی‌نفع‌ها در جریان است و دانشگاه‌ها با دید جهانی به امر آموزش و پژوهش می‌پردازند. این منظر دانشگاه‌ها (برج عاج)، از سوی بسیاری از

¹ The Humboldtian University

منتقدین به چالش کشیده شده است؛ ولی گذشت زمان نیز نشان خواهد داد که این مدل نگرش دانشگاه به محیط پیرامون، در خود سودمندی‌های پایداری را برای جامعه در دراز مدت به ارمغان خواهد آورد.

مدل دوم: دیدگاه اجتماعی

در این مدل، دانشگاه تلاش می‌نماید تا در یک گفتمان با فعالان منطقه‌ای هماهنگ شود تا نیازها و پاسخ به آن‌ها را جویا شود. نقش عمومی دانشگاه در این مدل، توانایی آن در دسترسی گسترده‌تر به دانایی و سودمندی‌های آن در طیف گسترده‌تری از افراد جامعه است. از این رو، دانشگاه اولین نهادی است که در راه شناسایی و تعریف توسعه و چالش‌های آینده و ارائه‌ی راه حل‌های مسائل و مشکلات پیچیده‌ی جامعه، گام برمی‌دارد.

مدل سوم: دیدگاه خلاقانه

در مدل سوم، به دانشگاه به عنوان نهادی که باید ضرورتاً به بهینه‌سازی و پرورش پتانسیل خلاق افراد و گروه‌ها بپردازد، نگریسته می‌شود. این بهینه‌سازی ممکن است اغلب شامل ارائه‌ی منابع، زمان و فضا برای

پژوهش‌های غیر قابل انتظار و پرخطر باشد که نتایج آن از لحاظ اثر بر منطقه و دیگر توسعه‌های بیرونی را نمی‌توان پیش بینی نمود. در این مدل، دانشگاه پذیرای یک ارتباط تحریک آمیز دو سویه و حمایتی با دیگر فعالان منطقه در یک هدف مشترک جهت بهینه نمودن شرایط برای چنین فعالیت‌های خلاقانه و فراهم آوردن یک محیط پرآفرینش است. اعضاء دانشگاه در این مدل، در جستجوی گفتمان زنده با دیگر شرکاء بیرونی می‌باشند تا جرقه و منظرهای تازه‌ی مورد علاقه‌ی خود و دیگر گستره‌ها، اجازه‌ی ظهور یافته و پتانسیل خلاقانه به صورت کامل امکان خودنمایی بیابد.

مدل چهارم: دیدگاه میانه روانه

بر اساس این مدل، دانشگاه همچون نهادهای دیگر نیز یک نهاد دانایی محور است که از پایه، از دیگر کسب و کارهای دانایی محور متفاوت نیست؛ هر چند که احتمالاً تعداد بیشتر و گستره‌ای وسیع‌تر از افراد خبره را در اختیار دارد. در این مدل، دانشگاه پیوستگی با محیط زیست خود را به صورت تبادل دانایی و کارگران دانایی با دیگر نهادهای منطقه تعریف می‌کند.

دانایی نیز در گفتمان قرار گیرد (۱۶) و هر کدام از این مدل‌ها می‌توانند تا حدی در گفتمان تولید، پخش، به کارگیری دانایی و نوآوری جهت رشد اقتصادی به کار آیند.

دانشگاه‌ها در ساخت شهرهای دانایی، با حمایت از نظام‌های نوآوری منطقه‌ای و پدیداری خوشه‌های موفق صنایع دانایی نوآور و رقابت پذیر، در برانگیختن رشد اقتصادی مشارکت می‌نمایند. از نظر بسیاری از

در تمام این دیدگاه‌ها، دانشگاه به عنوان یک فعال مرکزی و نه یک موتور کلیدی، در توسعه منطقه‌ای نگر بسته می‌شود. البته باید این را یادآور شد که هر دانشگاه، بخش دانشگاهی یا آکادمیسین دانشگاهی، ممکن است یکی یا ترکیبی از این مدل‌ها را برای پیوستگی خود با محیط پیرامون برگزیند. توصیف ساختاری این مدل‌ها در برگیرنده‌ی چشم اندازهای گوناگونی است که چگونه دانشگاه می‌تواند با یک شهر

هشت ستون خوشه‌های صنعتی در صنایع و خدمات تولیدی دانایی محور

تولید و ساخت پیشرفته

- زیرسیستم‌ها/مدول‌های کلیدی برای انرژی‌های هیبرید و جایگزین
- روباتیک
- تجهیزات صنعتی
- فناوری نانو
- فرایند تولید (نیمه رساناها، نمایشگرها و PV)

انرژی و فناوری پاک

- کارآیی انرژی، ذخیره سازی و پخش
- مواد جدید
- تجهیزات
- ساختمان سبز
- فناوری زیست محیطی دیگر

زیست فناوری و دارویی

- داروسازی
- زیست فناوری پزشکی و غیر پزشکی
- آزمون بالینی
- بیو انفورماتیک
- چیپس‌های زیستی
- تجهیزات پزشکی
- مواد زیستی

همگرایی IT

- شهر دیجیتالی/جامعه دیجیتالی
- کاربردهای خودکار
- کاربردهای پزشکی
- کاربردهای امنیتی
- طراحی IC
- خدمات نرم افزاری
- تجارت الکترونیک
- نرم افزار جاسازی شده

سلامت و تندرستی

- دسته‌های سلامت و تندرستی
- خدمات درمانی سلامت
- مکمل‌های غذایی و دارویی در عصر صهی سلامت

آموزش و تربیت

- تربیت مهارت‌های صنعتی
- ارتقاء مهارت‌ها
- شاخه‌های دانشگاهی تحقیقات و آموزش، شناخته شده در سطح جهانی

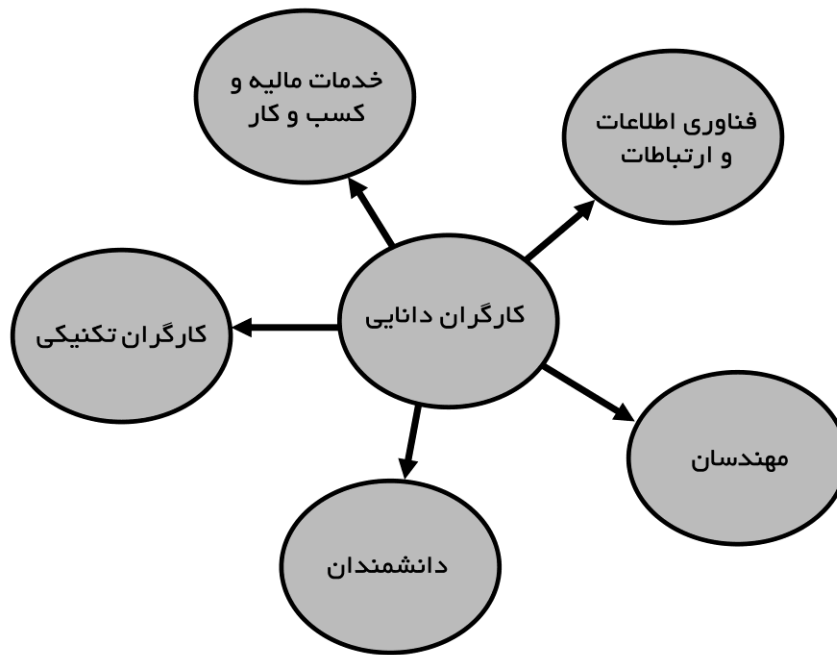
صنایع خلاق

- رسانه‌ی دیجیتالی
- انیمیشن دیجیتالی
- توسعه‌ی بازی‌ها
- توسعه‌ی نرم افزارها

خدمات R&D

- مراکز R&D
- طراحی صنعتی
- تبادل دارایی عقلانی
- سکوها‌ی تجاری سازی

تصویر ۳۶: هشت ستون خوشه‌های صنعتی در صنایع و خدمات تولیدی دانایی محور



تصویر ۳۷: گستره‌های کار کارگران دانایی در شهرهای دانایی محور

پژوهشگران، نقش مهم منابع منطقه‌ای ویژه در برانگیختن توانمندی‌های نوآورانه و رقابت پذیری صنایع دانایی در ارتقاء شهرهای دانایی، پنهان نمانده است. مطالعات بر روی خوشه‌ها، سرریزهای دانایی^۱ و نوآوری منطقه ای نشانگر آن است که انباشت اطلاعات و دانایی و جریان ایده‌ها در یک منطقه‌ی جغرافیایی، به تراکم صنایع دانایی و فعالیت‌های تحقیقی و توسعه‌ای (R&D)، از جمله دانشگاه‌ها بستگی دارد. ویژگی مهم

برای توسعه‌ی خوشه‌های دانایی مورد نیاز هستند. از این رو، فراهم آوردن توسعه‌ی زیرساخت‌های مناسب تماس میان نهادهای عمومی، دانشگاه‌ها و بنگاه‌های دانایی محور خصوصی در یک منطقه‌ی شهر دانایی، به عنوان بخش بسیار مهم خلق نوآوری و آفرینش شهرها، در سکویی برای رقابت و تبدیل به شهر دانایی،

خوشه‌ها، توانایی آن‌ها در خلق فضا برای یادگیری جمعی و ارتقاء اشتراک دانایی است. دانشگاه ممکن است با صنایع دانایی محور خوشه‌ها، از طریق تأمین و یا حتی تبادل پژوهشگران با مهارت بالا پیوند یابد. دیگر مهارت‌های دولتی و خصوصی نیز در کنار دانشگاه‌ها به ساخت مارپیچی سه گانه^۲ می‌پردازند که

¹ Spill Overs

² Triple Helix

باشند، بستگی دارد. از آنجا که نیروی انسانی به عنوان سرمایه‌ی انسانی، در محاسبات اقتصاد دانایی محور و توسعه‌ی شهری دانایی پدیدار یافته است، کارگران دانایی، از مهم‌ترین فعالان تولید دانایی درخشش یافته‌اند. کارگر دانایی، به صورت تیپ جدید از کارگر که از هر گونه چیرگی ماشین رها گردیده و به هیچ

نگریسته می‌شود. در اقتصاد دانایی محور، فراتر از صنایع دانایی محور، به نخبگی و خلاقیت به عنوان عناصر مهم در شکل‌دهی فرصت‌های اقتصادی در شهرهای دانایی محور چشم دوخته می‌شود. هم اکنون شکوفایی یک شهر به صورت عظیمی به فواید آن در خلق ایده‌های جدید که از دیدگاه اقتصادی سودمند

پردیس آینده

- ۱) دانش - گاه: کاربرد منحصر به فرد، کاربرد مشترک یا پردیس مجازی
- ۲) دانش - گاه: جذب و تسهیل‌کننده‌ی کارگران دانایی
- ۳) اهمیت مسکن + کیفیت زندگی شهری
جهت جذب کارگران دانایی و جذب کسب و کار
- ۴) کیفیت بیشتر و کمیت کمتر برای فضا
- ۵) زندگی جدید برای ساختمان‌های کهنه و قدیمی
- ۶) کاربرد پرشدت و انعطاف پذیر برای تسهیلات با کیفیت برتر
- ۷) حمایت از تصویر دانشکده‌ها و دانشگاه
- ۸) ساختمان‌های عمومی
- ۹) خلق فضا برای دیدار و گفت‌وگو
- ۱۰) فضاهای مشترک در خلق پردیس پایدار نقش ایفا می‌نمایند.

کارگر صنعتی دیگری ارتباطی ندارد، تعریف شده است.

کارگران دانایی همچنین با مقیاس‌هایی همچون جا گرفتن در هر کدام یک از سه کد شغلی استاندارد (مدیران، متخصصان و کارگران تکنیکی) یا افراد با درجه‌ی بالای فارغ التحصیلی، تعریف گردیده‌اند (۱۷). در مدل‌های توسعه‌ی اقتصاد دانایی محور، کارگران دانایی نیز به عنوان موتور محرکه‌ی اقتصاد دانایی و رشد معرفی شده‌اند (۱۹ و ۲۰).

در اقتصاد دانایی محور، توسعه‌ی شهری دانایی محور بر روی جذب کارگران دانایی متمرکز شده است. هر چند برای جذب این کارگران، کیفیت زندگی، تنوع شهری، عدالت اجتماعی و کیفیت مکان، از عناصر ضروری هستند ولی دانشگاه‌ها نه تنها در تأمین کارگران دانایی بلکه در برآورد نیازمندی‌های آن‌ها در شهر دانایی نیز نقشی بی‌همتایی را ایفا می‌نمایند (۱۷).

در دوران اقتصاد دانایی محور و مارپیچ سه گانه‌ی دانشگاه، صنعت (بخش خصوصی) و دولت (بخش عمومی)، که دارای همپوشانی‌هایی هستند،

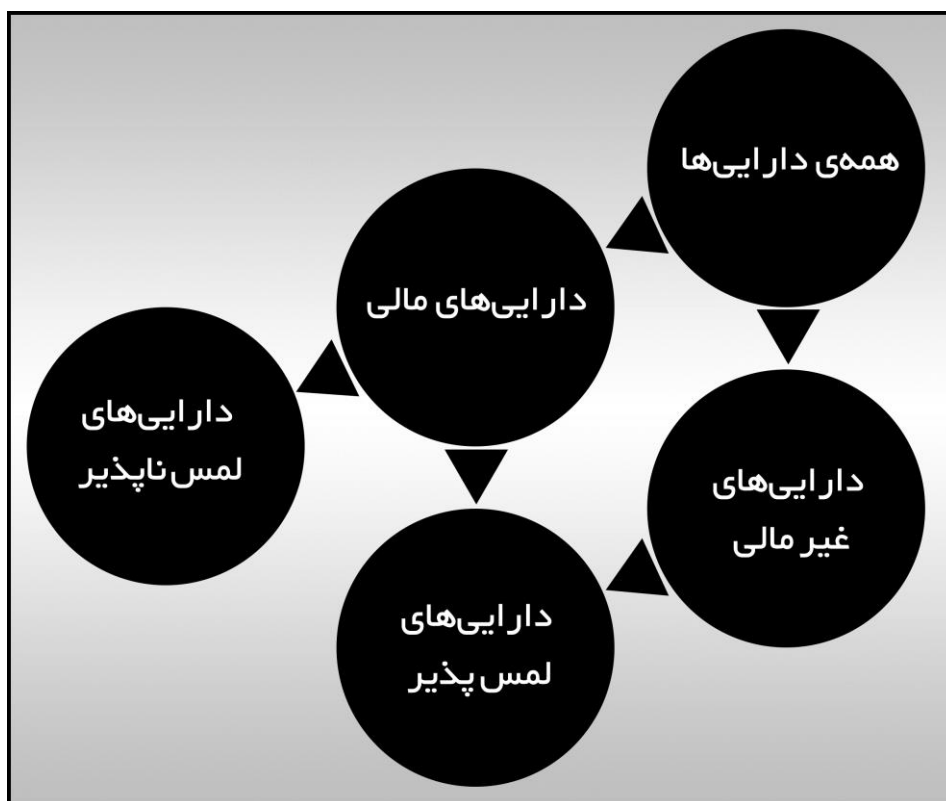
شاهد رویش سازمان‌های هیبرید در سطح مشترکات^۱ هستیم. در سطح مطبوعات علمی و آکادمیک، مدل مارپیچ سه گانه که بر روی دانایی، یادگیری و نوآوری تأکید می‌ورزد، برای توسعه‌ی اقتصادی و رقابت پذیری در سطح منطقه‌ای، نقشی مرکزی را دارد. دانشگاه‌ها در این مارپیچ با تولید دانایی نهان^۲، مهارت‌ها، فرهنگ و فراشمولی اجتماعی^۳ که از اجزاء نیرومند راهبردهای اقتصاد منطقه‌ای هستند، نقش مهمی بازی می‌کنند. از سوی دیگر، همانگونه که اشاره شد دانشگاه‌ها با جذب کارگران دانایی، تجاری سازی و جذب سرمایه گذاری، موجب کارآفرینی و رونق کسب و کار در شهر دانایی می‌گردند و از این رو، روز به روز به عملکرد برجسته‌ی دانشگاه در پیوند شهر دانایی با عرصه‌ی اقتصاد دانایی محور جهانی، بیشتر پی برده می‌شود.

در طی چند سال اخیر، مطالعات نشان داده‌اند که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باید در صحنه‌ی منطقه‌ای و محلی بیشتر رخنمود یابند. در مطالعه‌ی گسترده‌ی OECD، بر روی نقش آموزش عالی و

^۱ Interfaces

^۲ Tacit Knowledge

^۳ Social Inclusion



تصویر ۳۹ : دارایی‌های
گوناگون شهر دانایی در
اقتصاد دانایی محور

اهتمام ورزند، اشاره شده است:

- ♦ خلق دانایی در منطقه، از طریق پژوهش و بهره برداری از آن به وسیله‌ی انتقال فناوری شامل شرکت‌های چرخشی^۱، تأمین حقوق معنوی و نقش مشاوره‌ای
- ♦ شکل دهی به سرمایه‌ی انسانی و انتقال دانایی

دانشگاه در توسعه‌ی منطقه‌ای که در سپتامبر ۲۰۰۷ به چاپ رسید، به این اشاره شده که هم اکنون زمان آن رسیده است که آموزش عالی در کنار تعهد ملی و جهانی، به توسعه‌ی نقش محلی خود نیز بپردازد. در این مطالعه به سه شیوه که دانشگاه‌ها می‌توانند در توسعه‌ی منطقه‌ای (برای مثال توسعه‌ی شهر دانایی)

^۱ Spin Out Companies

شامل مکان دهی فرایند یادگیری به وسیله‌ی یادگیری کار محور، اشتغال فارغ‌التحصیلان در منطقه، آموزش مداوم، توسعه‌ی تخصصی و فعالیت‌های یادگیری مادام‌العمر

♦ توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی که به محیط، همبستگی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار ارتباط داشته و می‌تواند شرایطی را خلق نماید که نوآوری رونق یابد.

بر اساس گزارش OECD و نیز یافته‌های بنیاد کار^۱ در پژوهش‌های ایدئوپولیس، در شهرهایی که صنایع دانایی محور خود را رشد می‌دهند، دانشگاه‌ها بی‌نهایت مهم هستند. این بدان معناست که شهرهای موفق دانایی دارای نیروی کار با سطح بالایی از مهارت هستند که نیازهای اقتصاد دانایی محور خود را پاسخ داده و دارای دانشگاه‌هایی هستند که این سرمایه‌ی انسانی را تولید می‌کنند و از این رو شهرهای دانایی در مقوله‌ی خلاقیت و تولید کارگران دانایی با سطح مهارت بالا، در زمینه‌ی اقتصاد دانایی شهری فعالیت می‌کنند (۲۰۲۱).

اقدامات لازم برای پیوند دانشگاه با شهر دانایی

پژوهشگران بنیاد کار، بر اساس یافته‌های مطالعات خود برای بهبودی در ارتباطات میان دانشگاه‌ها و شهرهای دانش جهت یافت سودمندی‌های دوجانبه (بدون بار افزوده‌ای بر هر کدام یک از آن‌ها) مجموعه‌ای از اقدامات را پیشنهاد کرده‌اند:

اول / بسیار حیاتی است که این گزاره درک شود که دانشگاه‌های گوناگون، مأموریت‌های گوناگونی دارند و شهرهای گوناگون نیز چشم اندازهای گوناگونی را برای آینده‌ی اقتصادی و اجتماعی خود می‌جویند.

بسیاری از دانشگاه‌ها، مأموریت خود را انجام پژوهش‌های در کلاس جهانی و اثر بر علم در عرصه‌ی جهانی ترسیم نموده‌اند. هر چند که این موضوع به معنای آن نیست که چنین دانشگاه‌هایی نمی‌خواهند که اثر محلی نداشته باشند، اما این دانشگاه‌ها احتمالاً اثر متعارفی را در صحنه‌ی اقتصاد محلی و منطقه‌ای در مقایسه با دانشگاه‌هایی که تأکید محلی و منطقه‌ای آشکار و کمتر شناخته شده‌ای در سطح بین‌المللی را می‌جویند، از خود نشان می‌دهند.

¹ The work Foundation

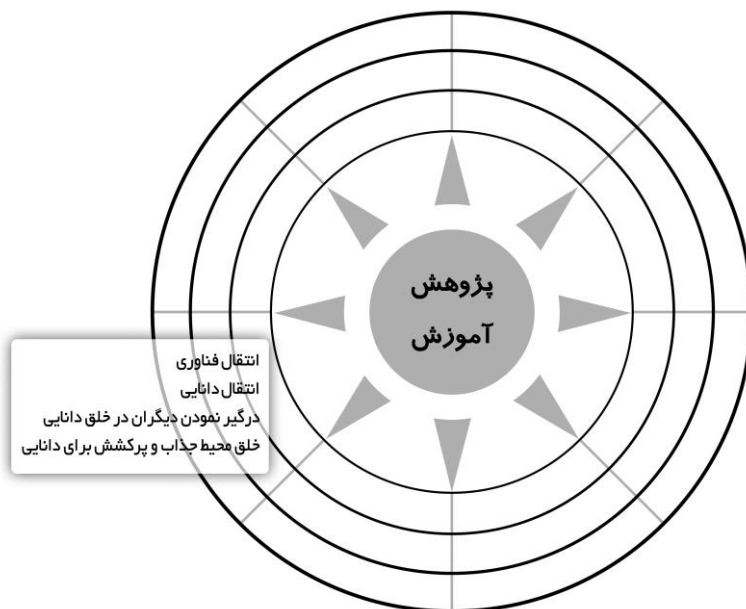
اولویت‌های آموزشی	اولویت‌های شهری	
<p>خلق دانایی، انتقال دانایی، درگیری کارکنان و ارائه‌ی مشاغل پر کیفیت به افراد مستعد در سطوح گوناگون، با اثر اقتصادی سودمند که بر بهره‌وری و بازار کار شهر مؤثر است.</p>	<p>داشتن مجموعه‌ای متنوع از صنایع پر شدت دانایی ویژه همراه با بهره‌وری بالا که بر پایه‌ی نقاط قوت موجود ساخته شده و مشاغل با مهارت برتر خلق می‌نماید.</p>	<p>اقتصاد</p> <p>چه اثر اقتصادی را در یک اقتصاد دانایی محور باید جویا شد؟</p>
<p>نیاز به نشان دادن نقش رهبری در مقیاس محلی / جهانی جهت دستیابی به مأموریت محلی و جهانی.</p> <p>عمل نمودن به صورت یک نهاد لنگرگاه مانند محلی جهت کمک به جذب و ابقاء کارکنان مستعد و دانشجویان جهت کار در و اطراف حوزه‌ی دانشگاه.</p> <p>حمایت از اثر محلی اقتصاد و نیز توسعه‌ی پژوهش‌های پر کیفیت و زایشی</p>	<p>داشتن چشم‌انداز آشکار برای رشد آینده در اقتصاد دانایی محور و ظرفیت آزادسازی آن از طریق نهادهای گوناگون</p> <p>کارکردن با افراد مستعد در بخش‌های گوناگون</p> <p>جذب افراد مستعد به نقش‌های رهبری</p>	<p>رهبری</p> <p>چه نقشی رهبری در دستیابی به مأموریت کلی بازی می‌کند؟</p>
<p>گسترش پردیس‌های دانشگاهی جهت فراهم آوردن تسهیلات مناسب جهت دانشجویان، کارمندان، شرکت‌های زایشی کسب و کار و پژوهش؛ در بعضی از دانشگاه‌ها، فرو بردن این پردیس‌ها در بخش‌های فرهنگی و تجاری شهر</p>	<p>داشتن یک شهر جذاب که مردم را برای داشتن یک زندگی پر کیفیت، سفر برای کار و کسب و کار و کارآمد با بهره‌وری توانمند نموده و در جذب و نگهداشت بازدید کنندگان، ساکنین و شرکت‌های کسب و کار کمک می‌نماید.</p>	<p>مکان</p> <p>به چه اثری بر ساخت محیط و زیرساخت‌های شهری جهت دستیابی به مأموریت اصلی، امید می‌رود؟</p>
<p>کار با بخش‌های داوطلب محلی و مردمی و به کارگیری مهارت دانشگاهیان در حمایت از سرمایه‌گذاری بر روی جامعه، افزایش دسترسی به آموزش‌ها و نشان دادن اثر اقتصادی در جاهایی که مناسب است دارد. برای مثال، از طریق خلق مشاغل، چه مستقیم و چه غیر مستقیم</p>	<p>جذب و نگهداشت دانش آموختگان سطح بالا، کار با FE جهت توسعه‌ی مهارت‌های میانی و کار با نهادهای آموزشی جهت کمک به زدایش نابرابری‌ها</p>	<p>مردم</p> <p>امید می‌رود بر مردم چه اثری گذاشته شود؟</p>

بسیاری از شهرهای دانایی بر نقش محوری دانشگاه‌ها در موفقیت صنعت دانایی محور خود اصرار می‌ورزند. از سوی دیگر، کیفیت اقتصاد محلی نیز بر میزان گستره‌ای که دانشگاه‌ها ممکن است اثر گذار باشند، تأثیر می‌گذارد. برای مثال، چنانچه شرکت‌های محلی کمی باشند که فرصت‌های پرکیفیتی را فراهم می‌آورند، دانش‌آموختگان کمتری در مکان به کار گرفته خواهند شد. شهرهای دانایی و دانشگاه‌ها باید ارتباطات کاری خود را به گونه‌ای توسعه دهند که بازتابی از مأموریت‌ها و شرایط متمایز کننده‌ی آن‌ها باشند.

دوم / انتظارات در مورد اثر دانشگاه‌ها باید از زوایه‌ی بسته‌ی دانش و فناوری فراتر رفته و اثرات آن‌ها بر روی بخش‌هایی همچون خدمات مالی و کسب و کار و صنایع خلاق (creative industries) نیز در نظر گرفته شوند. ایده‌ی انتقالی دانایی به خوبی مفهوم سازی نشده است و ایده‌های محدودی وجود دارد که بیان می‌دارند که کدام یک از بخش و یا گستره‌های آکادمیکی بایستی در انتقال دانایی درگیر شوند. بیشتر اقداماتی که برای

انتقال دانایی و اثر بر اقتصاد صورت می‌گیرد، بیشتر جهت صنایع علمی و فناورانه توسعه داده شده‌اند تا گستره‌های پژوهشی. این به معنای آن است که راهبردهای محلی توسعه‌ی اقتصادی، آموزش محلی را با نگاه به انتقال دانایی در بخش‌های علم و فناوری و نه در دیگر حوزه‌های تخصصی که راهبردها برای رشد خود برگزیده‌اند، جستجو می‌نمایند.

این کنش موجب می‌گردد که فرصت‌های واقعی که دانشگاه‌ها و شهرهای دانایی از آن‌ها سود می‌برند،



تصویر ۴۰ : مأموریت‌های نوین دانشگاه در فراتر از آموزش و پژوهش در عصر دانایی

فراموش شوند. برای مثال در ناتینگهام، شبکه‌ی خلاقیت ناتینگهام، به صورت موفقیت آمیز طیفی از کسب و کارهای رشد یابنده و آغاز یابنده را مورد حمایت قرار داده است. در شهرهایی مانند لیدز و منچستر، پتانسیلی برای این شهرها وجود دارد که از کار نزدیک دانشگاه با بخش‌های کلیدی مانند خدمات مالی و کسب و کار، جهت حمایت از مدیریت با کیفیت بالاتر، رهبری و عمل‌گرایی سودمند شوند. از این رو، بسیار حیاتی است که دانشگاه‌ها و شهرها به فراتر از بخش‌های انتقال دانایی سنتی در یک اقتصاد دانایی محور بنگرند.

سوم/ شهرها و دانشگاه‌ها لازم است که به شکل جزیی‌تر بتوانند راهبردهایی که با اقتصاد دانایی محور سازگارمندی یابند، شناسایی نمایند و بدانند که اهداف مشترک شان در کجا نهفته است.

بسیاری از ایده‌ها پیرامون اثر نهادهای آموزش عالی بر روی خلق شغل، پیوندهای صنعتی، نوآوری، اندک بوده و در عمل نیز به صورت کامل انجام نگردیده و یا به کار برده نمی‌شوند. اغلب، بازنگری جزئی‌تر از آن که در کجاها این ارتباطات سودمند هستند، صورت نگرفته و تنها این ارتباطات بر اساس شناخت مبهمی از آن‌ها حاصل آمده‌اند. این به معنای آن است که در

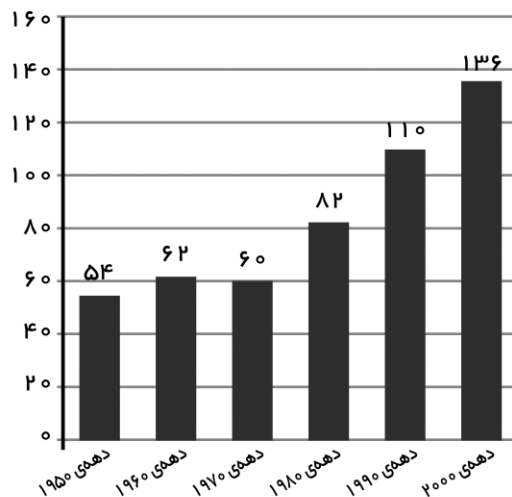
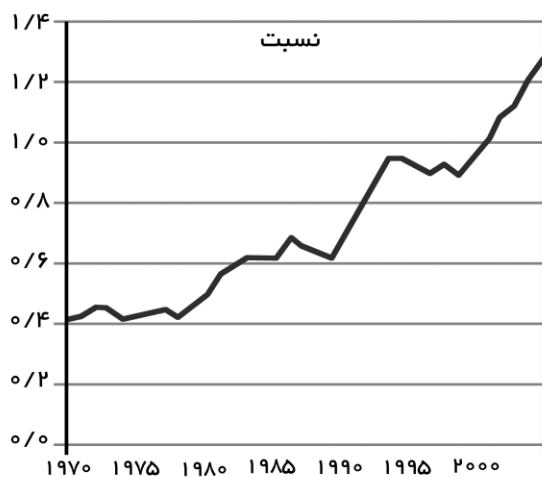
درون شهرها، مقامات محلی بایستی در نهادهای گوناگون عالی، در مورد اولویت‌های ویژه‌ی خود تفکر کرده و هم‌پوشانی‌های خود را یافت نمایند.

در هر صورت، بایستی که شهرهای دانایی و دانشگاه‌ها بر این موضوع به آگاهی مشترکی دست یابند که تغییر به سوی اقتصاد دانایی محور می‌تواند فرصت‌های استثنایی و چالش‌هایی را برای هر دو، فراهم آورد.

چنانچه با شیوه‌ای ابزارمند و چارچوبی معین، بتوانند مأموریت‌های بنیادین خود را یافت نمایند، احتمال آن وجود دارد که شهرها و دانشگاه‌ها بتوانند به آسانی مکان‌هایی که اهداف مشترک نهفته دارند و در کجاها ندارند را شناسایی نمایند. در هر صورت، در زمان کنونی چالش‌های اقتصادی، شهرها ممکن است لازم داشته باشند تا نقش مهم بخش عمومی نهادهایی همچون دانشگاه‌ها را در توسعه‌ی اقتصادی و تدوین راهبردهای آینده‌ی خود، مورد ارزیابی قرار دهند.

چهارم/ شهرها و دانشگاه‌ها لازم دارند با یکدیگر به صورت متفاوت بر روی موارد گوناگون کار کنند.

در جاهایی که اهداف و فرصت‌های مشترکی برای سودمندی دو جانبه وجود دارد، دانشگاه‌ها و مسئولین



تصویر ۴۱: تغییرات اولویت‌های سرمایه‌گذاری در کسب و کار در اقتصاد دانایی محور به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری بر دارایی‌های لمس‌ناپذیر به نسبت دارایی‌های لمس‌پذیر در انگلستان (منحنی چپ) و آمریکا (منحنی راست) رو به فزونی است. لمس‌پذیر مانند ماشین‌ها و ساختمان‌ها و غیر لمس‌پذیر مانند تحقیق و توسعه، نرم‌افزار، طراحی و توسعه‌ی محصول جدید، مهارت‌های کارگاهی، شایستگی‌های مدیریتی و مالکیت نشان تجاری می‌باشند.

آن که مشاوره‌ها و آگاه‌سازی‌ها در مراحل اولیه‌ی توسعه‌ی پروژه انجام می‌پذیرد، همگی می‌توانند به عنوان عوامل کلیدی یک مشارکت موفقیت‌آمیز، خود را نمایان نمایند. به زبان دیگر، لزومی برای کار با یکدیگر بر روی هر چیزی وجود ندارد و مهم است که به جای نشست‌های غیر ضروری، زمان را بر کار خود متمرکز نموده ولی طرف دیگر را از روند کار در مراحل آغازین آگاه نمایند. همچنین پروژه‌هایی را که از کار

محلی یا منطقه‌ای باید بنگرید که آیا این به معنای کار مشترک بر روی یک پروژه خواهد بود و یا با یکدیگر مشاوره می‌کنند ولی کار جداگانه صورت می‌گیرد و یا به صورت ساده، طرف دیگر را آگاه نموده، اما هر دو با یکدیگر کار نمی‌کنند. نتایج پژوهشگران بنیاد کار نشان داده است که وجود شفافیت در مورد اهداف مشترک، توسعه‌ی ارتباطات و ایجاد اعتماد سازی با گذشت زمان، کاهش جلسات غیر ضروری و تضمین

مشترک سود بیشتری را به نسبت از کار به تنهایی حاصل می‌کنند، شناسایی نمایند. این راهبرد می‌تواند موجب شود که دانشگاه‌ها و شهرها با یکدیگر به صورت مؤثری کارکنند.

پنجم/ دولت باید به انعطاف پذیری اعتبارات مالی و مشوق‌هایی که برای کار مشترک دانشگاه‌ها و مسئولین محلی یا به مشارکت‌های زیر منطقه‌ای¹ تخصیص داده است مورد بازنگری قرار دهد.

در حالی که سابقه‌ی همکاری نهادهای آموزشی با شهر وجود دارد، اما جریان اعتباری و مالی که بتواند این فعالیت‌ها را که نقطه‌ی اتکاء اقتصادی ندارند مورد حمایت قرار دهد، چندان وجود خارجی ندارد. از این رو، انگیزه و مشوق کار مشترک و اعتقاد به این که سودمندی‌های دو جانبه‌ای آفریده می‌شوند، باید وجود داشته باشد. افزون بر این، ممکن است به گونه‌ای اعتبار به نهادها داده شده باشد که همچون مانعی جهت کار مشترک خود را نشان دهد. بدین سان، دولت زدودن این موانع را برای حمایت‌های کار مشترک دانشگاه و شهر دانایی (به منظور کسب سودمندی اقتصاد محلی) می‌بایست در سرلوحه‌ی کار

خود قرار دهد.

این اقدام در زمانی که اکثر شهرها با بی‌کاری فزاینده روبه‌رو شده و لازم دارند که مشکلات کوتاه مدت خود را مدیریت نمایند و همزمان برنامه ریزی جهت اهداف متوسط و طولانی مدت را در زمانی که اقتصاد آغاز به رشد دوباره نموده و گستره‌های پژوهشی به عنوان یک برتری محسوب می‌گردند، به انجام رسانده و نقش مهم خود را نشان دهند.

ششم/ لازم است که رهبران دانشگاهی و شهری، چیرگی بر موانع فرهنگی که از کار مشترک پیشگیری می‌نمایند را لحاظ نمایند.

یکی از بزرگترین موانع برای کار مشترک میان دانشگاه‌ها و شهرها آن است که جریان‌های مالی و اعتباری گوناگون، مأموریت‌های نهادی و نیز تفاوت در زبان مورد استفاده، موجب شود که در عمل بسیاری از افرادی که کار مشترک بر آن‌ها تکیه دارد، به این موضوع برسند که برقراری ارتباطات پایدار مشکل است. رهبران باید کارکنان خود را از این موانع زبانی و شکاکیت در مورد این که چرا باید به شیوه‌ی مشارکتی کار نمود تا به سودمندی‌های دو جانبه دست یافت،

¹ Subregional Partnerships

رها سازند. هر چقدر بیشتر موانع فرهنگی مورد چالش قرار گرفته و این موضوع که هم دانشگاه‌ها و هم شهرها از کار مشترک سود خواهند برد و در نهایت سودمندی‌های اقتصادی و اجتماعی، برای مردمی که

در شهرها کار و زندگی می‌کنند و "منطقه‌ی شهری دانایی" فراهم خواهد آمد، روشن‌تر شود، اجرای پروژه با موفقیت بیشتری توأم خواهد گردید (۲۲).